

تأملی بر رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص درخواست پناهندگی اتباع ایرانی

اسماعیل بابائی راغب* حجت سلیمی ترکمانی** صالح رضایی پیش رباط***

حسین رستم زاد****

چکیده

نظام اروپایی حقوق بشر در قالب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و دیوان اروپایی حقوق بشر نقش بی‌بدیلی در حمایت از پناهجویان و پناهندگان داشته است. دیوان به‌عنوان سازوکار نظارتی کنوانسیون، طرح دعوی از سوی اتباع غیراروپایی علیه دولت‌های اروپایی عضو کنوانسیون را پذیرفته است. در این بین دعاوی متعددی توسط پناهجویان ایرانی علیه کشورهای اروپایی حول سه مسئله آزادی‌های مذهبی، آزادی‌های جنسی و آزادی‌های سیاسی مطرح شده است. پناهجویان ایرانی عمدتاً مدعی می‌شوند که در صورت بازگرداندن آن‌ها به ایران با اعمال مجازات مواجه خواهند شد و این رویه برخلاف تعهدهای کشورهای اروپایی به موجب ماده ۳ کنوانسیون است. مسئله اساسی این است که رویکرد دیوان در قبال این موجبات پناهندگی به چه نحو بوده است؟ این مقاله در راستای ارزیابی رویه دیوان در توسعه و رشد حقوق پناهندگی، با بررسی تبیینی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای نشان می‌دهد که دیوان با پذیرش آستانه بسیار پایین برای اثبات اعمال مجازات ارتداد برای ایرانیان در صورت بازگرداندن، موجب مذهبی را بیشتر مورد پذیرش قرار داده است درحالی‌که داشتن رفتارهای جنسی نامتعارف را به دلیل تساهل عملی دولت ایران در اعمال مجازات، در اکثر موارد از دلایل اعطاء پناهندگی نپذیرفته است. موجبات سیاسی هم عمدتاً به دلیل تصنعی و سطحی

babaeiragheb@gmail.com

* دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

h.salimy@yahoo.com

** دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (نویسنده مسئول)

srezaie_p@yahoo.com

*** استادیار پژوهشگاه علوم و فنون هسته ای

rostamzad34@yahoo.com

**** استادیار حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

بودن اسناد و مدارک ارائه شده توسط متقاضیان، کمتر مورد توجه و پذیرش دیوان قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: پناهنده، دعاوی، دیوان اروپایی حقوق بشر، اتباع ایرانی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

سرآغاز

یکی از نظام‌های منطقه‌ای پیشرفته حقوق بشری دنیا، نظام اروپایی حقوق بشر است. این نظام در هر دو بعد هنجاری و سازمانی پیشرو بوده و توانسته است الگوی مطلوبی برای بقیه نظام‌های منطقه‌ای باشد. جلوه هنجاری این نظام در «کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین»^۱ (از این به بعد، کنوانسیون) متجلی است که در سال ۱۹۵۰ پایه‌گذاری شده و امروزه با ۴۷ دولت عضو در راستای ارتقاء جایگاه حقوق بشر در منطقه اروپا عمل می‌کند. این کنوانسیون البته برای تضمین رعایت مفادش توسط دولت‌های عضو، یک سازوکار قضائی بر طبق ماده ۱۹ آن موسوم به «دیوان اروپایی حقوق بشر»^۲ (از این به بعد، دیوان) ایجاد کرده است. بر طبق این ماده «برای اطمینان از رعایت تعهدهای پذیرفته شده توسط دولت‌های متعاقد در کنوانسیون و پروتکل‌های آن، دیوان اروپایی حقوق بشر ایجاد می‌شود». این دیوان از رویه قضائی بسیار غنی در زمینه حقوق بشر برخوردار بوده و رویکرد آرمان‌گرایانه آن نقش مهمی در تکامل حقوق بشر داشته است (راعی دهقی و موسوی، ۲۰۵:۱۳۹۵).

بر اساس ماده ۱ کنوانسیون،^۳ «کلیه کشورهای متعاقد متعهد هستند تا برخورداری افراد ساکن در مناطق تحت حاکمیت خود را از حقوق و آزادی‌های تعریف شده در بخش اول کنوانسیون تضمین کنند». این ماده در واقع به منزله پذیرش اعمال مفاد دیوان در قبال اتباع کلیه کشورهای ساکن در قلمرو کشورهای اروپایی است؛ به عبارت دیگر

1. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Registration Number 2889, Rome 04/11/1950

2. European Court of Human Rights (ECtHR)

۳. ماده ۱- لزوم احترام به حقوق بشر: طرف‌های معظم متعاقد به کنوانسیون موظف‌اند برخورداری افراد ساکن در مناطق تحت حاکمیت خود را از حقوق و آزادی‌های تعریف شده در بخش اول کنوانسیون حاضر تضمین کنند.

این ماده بیشتر از این که روی قربانی حقوق بشر توجه داشته باشد روی ناقض حقوق بشر توجه دارد که کشورهای اروپایی هستند. لذا در خصوص امکان طرح دعوی علیه دولت های اروپایی، لازم نیست اشخاص تابعیت یکی از کشورهای اروپایی را داشته باشند. بلکه کافی است فرد انسانی مدعی باشد که یکی از کشورهای عضو کنوانسیون یکی از مصادیق حقوق بشر مندرج در کنوانسیون را در قبال او نقض کرده است. در چنین مواردی دیوان اصولاً صالح به رسیدگی خواهد بود. لذا هر چند حقوق خارجیان در کنوانسیون پیش بینی نشده است ولی دولت های عضو، متعهد به ایفای تعهد در قبال ورود و خروج آنها به قلمرو سرزمینی شان هستند (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۰). در این راستا ماده ۱۳ کنوانسیون^۱ دولت ها را ملزم به رعایت مفاد کنوانسیون در خصوص قربانیان نقض ها از طریق «ارائه راه حل کارآمد نزدیک مرجع ملی» می کند؛ بنابراین هر شخصی که حقوق و آزادی هایش که در این کنوانسیون آمده است ضایع شده باشد، از حق جبران خسارت مؤثر نزد مراجع ملی برخوردار است (رحیم خویی و رستم زاد، ۱۳۹۶: ۲۶۷). لذا کسانی که قربانی نقض حقوق بشر می شوند برای رفع نقض باید قبل از هر چیز به کشور مربوطه رجوع کنند. در این راستا دادگاه های داخلی کشورهای اروپایی در جهت ایفاء عملکرد قضائی خود، حقوق پناهندگی را مورد تفسیر و توسعه قرار می دهند (کیهانلو، ۱۳۸۶: ۳۶).

بنابراین اگر کشوری نتواند تعهد های خود را طبق ماده ۱ رعایت کند، طبق ماده ۱۳ لازم است روش مؤثری در سطح ملی برای جبران خسارت فراهم سازد. در غیر این صورت، فرد می تواند بر طبق ماده ۱۹ به دیوان متوسل شود. بر طبق ماده ۳۴ کنوانسیون، «دیوان می تواند درخواست هایی را از هر شخص، سازمان غیردولتی یا گروهی از افراد که ادعا می کنند قربانی نقض حقوق مندرج در کنوانسیون یا پروتکل های آن توسط یکی از طرف های عالی متعاقد شده است دریافت کند. طرفین متعهد

۱. ماده ۱۳. حق جبران خسارت مؤثر: هر شخصی که حقوق و آزادی هایش ضایع شده باشد، حتی اگر تضییع حقوق و آزادی های مذکور توسط افرادی با ظرفیت رسمی صورت گرفته باشد، از حق جبران خسارت مؤثر در مقابل مقامات ملی برخوردار است.

می‌شوند به هیچ وجه مانع استفاده مؤثر از این حق نشوند». از آنجائی که آراء دیوان برای دولت‌های عضو کنوانسیون الزام‌آور است، تبعیت از رویه قضایی دیوان گاه به اصلاح قوانین ملی دولت‌های عضو در راستای حمایت حقوق بنیادین بشر انجامیده است (جلالی و سودبر، ۱۳۹۹: ۷۵).

در این چارچوب تا به حال دعاوی متعددی توسط اتباع اروپایی و غیراروپایی علیه کشورهای اروپایی در دیوان مطرح شده که در این بین پنجاه دعوی توسط اتباع ایرانی ثبت شده است. بخش عمده‌ای از این دعاوی مربوط به پناه‌جویان و پناهندگان ایرانی است. اولین دعوی در سال ۱۹۹۹ علیه کشور هلند و آخرین آن علیه کشور مجارستان در سال ۲۰۲۰ بوده است. بیشترین دعاوی هم به ترتیب علیه دولت‌های ترکیه، یونان و سوئد بوده است. در اکثر این دعاوی، اتباع ایرانی به نقض ماده ۳ کنوانسیون استناد کرده‌اند. این ماده مقرر می‌دارد: «هیچ‌کس نبایستی تحت شکنجه، رفتار بد و تحقیرآمیز انسانی و اعمال مجازات قرار گیرد». پناه‌جویان ایرانی مدعی هستند آن‌ها بنا به دلایلی ایران را به مقصد کشورهای اروپایی ترک کرده‌اند که اگر قرار باشد دولت‌های اروپایی آن‌ها را مجدداً به ایران برگردانند، دولت ایران آن‌ها را مورد آزار و اذیت قرار خواهد داد؛ بنابراین به‌زعم پناه‌جویان ایرانی، بازگرداندن آن‌ها به ایران توسط دولت‌های عضو کنوانسیون به دلیل احتمال اعمال مجازات می‌تواند مغایر با تعهدهای کشورهای مربوطه بر اساس ماده ۳ کنوانسیون باشد و دیوان بایستی از این روند جلوگیری کند.

سؤال اصلی پیش روی این مقاله این است که ایرانیان از چه موجباتی برای طرح پناهندگی خود در دیوان استفاده می‌کنند و رویه دیوان در پذیرش یا عدم پذیرش این موجبات به چه نحوی است؟ بررسی رویه دیوان حاکی از این است که دیوان از ابتدا دارای ماهیتی ایستا و تغییرناپذیر نبوده و به مرور زمان بر دامنه کارکردها و صلاحیت‌های آن افزوده شده است (جلالی و سودبر، ۱۳۹۹: ۶۰). لذا فرضیه اصلی مقاله این است که ایرانیان از موجبات مذهبی، جنسی و سیاسی برای درخواست پناهندگی از کشورهای اروپایی استفاده می‌کنند و بسته به هر موجبی، دیوان رویکرد متفاوتی نسبت

به درخواست‌ها اتخاذ کرده است، به طوری که حساسیت بیشتری روی موجبات مذهبی داشته است و موجبات سیاسی و جنسی به نسبت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی این مقاله این است که از طریق تشخیص رویکرد دیوان نسبت به موجبات پناهندگی ایرانیان، بتواند نقش دیوان را در حمایت از حقوق پناهندگان بالأخص در چارچوب اصل «منع بازگرداندن»^۱ تبیین کند. برای پاسخ‌دهی به سؤال تحقیق و اثبات فرضیه متناظر، مطالب این مقاله در قالب دو قسمت ارائه می‌شود. در قسمت اول به نحوه پناهندگی به کشورهای عضو کنوانسیون پرداخته می‌شود. در قسمت دوم نیز دعاوی مطروحه از سوی پناهجویان ایرانی نزد دیوان در سه محور موجبات مذهبی، جنسی و سیاسی بررسی می‌شود. در نهایت در پایان مطالب، نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد. لازم به ذکر است در خصوص رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص درخواست پناهندگی اتباع ایرانی، پژوهش و تحقیق مستقلی تا به امروز صورت نگرفته است و مقاله حاضر کاملاً بدیع است.

۱. پناهندگی به کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

مسئله پناهندگی دارای سابقه نسبتاً طولانی در نظام بین‌المللی بوده و حتی مدت‌ها پیش‌تر از شکل‌گیری نظام مدرن حقوق بشری در اوایل قرن بیستم و همگام با پیدایش جامعه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته بوده است (سیفی آتشگاه، ۱۳۹۹: ۶۷)، ولی مشکل حقوق پناهندگان و پناهجویان اکنون بیش از هر زمان دیگری در حال رشد است. اروپا، به‌ویژه کشورهای جنوبی آن، روزانه با پناهندگانی از آفریقا و آسیا مواجه هستند که هراسان از شرایط زندگی خود و به دنبال آینده‌ای بهتر روانه این کشورها می‌شوند. این کشورها با دو گروه از پناهندگان مواجه هستند: گروهی که از کشورهای آسیایی و خاورمیانه عمدتاً از مسیر کشور ترکیه و عبور از دریای مدیترانه وارد یونان می‌شوند و گروهی که از کشورهای آفریقایی از طریق مسیر لیبی و دریا وارد ایتالیا می‌گردند (دشاب و مختارزاده، ۱۳۹۸: ۴۵). ورود آن‌ها به کشورهای اروپایی مشکلات عدیده‌ای را

برای آن‌ها ایجاد می‌کند که باید حل کنند. این مشکلات شامل پذیرش، اسکان، امکان بازداشت و اخراج پناهجویان است.

یکی از مهم‌ترین اقدام‌های بین‌المللی برای حل این مشکلات، تهیه معاهده مربوط به وضعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ و پروتکل ۱۹۶۷ آن است که به‌عنوان نظام عام حقوق پناهندگی جنبه جهانی و فراگیر دارد. ولی در کنار این اسناد عام و جهانی، وضعیت پناهجویان و پناهندگان اروپا به‌طور گسترده‌ای توسط اسناد حقوقی اتحادیه اروپا تنظیم می‌شود. قوانین کلی در معاهده عملکرد اتحادیه اروپا وضع شده است که سیاست‌های مشترک در مورد مهاجرت، کنترل مرزها و امور پناهندگی را تنظیم می‌کند. هرچند اتحادیه اروپا موفق‌ترین الگوی همگرایی منطقه‌ای محسوب می‌شود (حیب‌نژاد و دانش ناری، ۱۳۹۷: ۱۵۹)، ولی کارآمدی سیاست‌های آن در حمایت از حقوق پناهندگان در سال‌های اخیر با انتقاد و چالش زیادی مواجه شده است (داش‌تاب و مختارزاده، ۱۳۹۸: ۶۱)؛ به طوری که بین دو نظام حقوقی بین‌المللی و اروپایی حقوق پناهندگان همزیستی چالش‌برانگیزی وجود دارد (Lavrysen, 2012: 219).

به موجب ماده ۳ کنوانسیون، هیچ‌کس نباید تحت شکنجه یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد. این ماده به‌عنوان یکی از ارزش‌های اصلی مندرج در کنوانسیون از جایگاه ویژه‌ای در کنوانسیون برخوردار است. دیوان حتی اظهار داشته است که ماده ۳ یکی از ارزش‌های اساسی جوامع دموکراتیک اروپا را بیان می‌دارد.^۱ این ماده تعهدی برای دولت عضو مبنی برای عدم استرداد افراد به کشور دیگر بار می‌کند، در صورتی که دلایل قابل توجهی وجود داشته باشد که در صورت استرداد، وی با خطر تحمل شکنجه، رفتار غیرمجاز و غیرانسانی یا تحقیرآمیز مواجه خواهد شد.^۲ بازگرداندن فرد توسط دولت متعاقد، به‌عنوان اولین حلقه در سلسله حوادث منجر به بدرفتاری با فرد برخلاف ماده ۳ تلقی می‌شود. دیوان از طریق تفسیر مفاد این ماده نقش مهمی در حمایت از پناهندگان دارد. حتی اگرچه در این ماده اشاره مستقیمی به ممنوعیت بازگرداندن

1. Chahal v. the United Kingdom, app. no. 22414/93, 15 November 1996, § 96.

2. Saadi v. Italy, app. no. 37201/06, 28 February 2008, § 125.

پناهندگان نشده است ولی دیوان به نحوی آن را تفسیر کرده است تا شامل اصل منع بازگرداندن بشود (Ristik, 2017: 109). اصل منع بازگرداندن اجباری پناهجویان، نشان دهنده یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین تعهدهای انسانی دولت‌ها در قبال پناهجویان قلمداد می‌شود (کیهانلو و دامهر، ۱۳۹۹: ۱۸۰). تعهد مذکور جنبه مطلق دارد (Ristik, 2017: 109). به این معنا که نخست، هیچ‌گونه بدرفتاری توسط مقامات عمومی یا خصوصی قابل توجیه نیست؛ دوم، ممنوعیت بدرفتاری ارتباطی با ویژگی‌ها و اقدام‌های اتخاذی فرد ندارد (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۹)؛ سوم، حمایت مندرج در ماده ۳ نمی‌تواند به حالت تعلیق درآید یا لغو شود، حتی اگر منافع عمومی در خطر باشد.

۲. دعاوی مطروحه از سوی پناهجویان ایرانی نزد دیوان اروپایی حقوق بشر

یکی از کشورهایی که با مسئله پناهندگی مواجه است ایران است. بنا بر آمارهای بین-المللی ایران پذیرای ۳.۵ میلیون پناهنده و پناهجو بوده و نزدیک به ۱۳۰ هزار ایرانی در سایر کشورها پناهنده هستند.^۱ پناهجویان ایرانی برای امکان کسب وضعیت پناهندگی در قلمرو کشورهای اروپایی و حمایت‌های مقرر در نظام حقوق پناهندگی به موجبات متعددی متوسل می‌شوند. آن‌ها با علم بر اینکه دولت‌های اروپایی به موجب کنوانسیون تعهدهای قابل توجهی در زمینه آزادی‌های مذهبی، سیاسی و جنسی دارند و دیوان توجه ویژه‌ای به آن تعهدها دارد از موجبات سیاسی، مذهبی و جنسی به‌عنوان دلیل پناهندگی استفاده یا سوءاستفاده می‌کنند. آن‌ها مدعی می‌شوند که بنا به محدودیت این آزادی‌ها در ایران، مجبور به ترک ایران و پناهندگی در اروپا شده‌اند و دولت‌های اروپایی نبایستی آن‌ها را به ایران مسترد کنند، زیرا این امر مغایر با ماده ۳ کنوانسیون است. طرح این‌گونه دعاوی در کشورهای پناهنده‌پذیر اروپایی، رویه قضائی گسترده‌ای را در باب پناهندگی ایجاد کرده است (کیهانلو، ۱۳۸۶: ۵۵)؛ بنابراین پناهجویان ایرانی با درک اهمیت ماده ۳ در رویه دیوان از یک طرف و دلایل و موجباتی که دیوان به استناد آن‌ها

1. European network on statelessness and institute on statelessness and inclusion, Statelessness in Iran, Country Position Paper, November 2019, p.5.

دولت‌های اروپایی را از بازگرداندن پناهجویان به کشورهای خود بازمی‌دارد دعای متعددی را در طول سال‌های اخیر بر اساس موجبات متفاوت در دیوان مطرح کرده‌اند که به ترتیب مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۲. موجبات مذهبی

به موجب ماده ۹ کنوانسیون^۱، هر شخصی حق آزادی مذهب دارد که این حق شامل حق آزادی تغییر مذهب نیز می‌شود (7: ECtHR, 2013). زیرا آزادی مذهبی در بعد درونی شامل داشتن و تغییر مذهب است و در بعد بیرونی حق ابراز مذهب و برگزاری آئین‌ها و مناسک مذهبی (عبدی و زمانی، ۱۳۹۵: ۶۳). در طول دهه اخیر تعداد پرونده‌هایی که شامل حق آزادی مذهبی در دیوان می‌شود رو به افزایش بوده است (ECtHR, 2013). 5. در رویه دیوان بحث آزادی‌های مذهبی عمدتاً در سه قالب آزادی استفاده از پوشش و نمادهای مذهبی، آزادی بیان عقاید مذهبی و آزادی ابراز مذهب در محیط‌های کاری مطرح شده است (Ringelheim, 2012:11). البته حمایتی که دیوان از آزادی مذهب و عقیده به عمل می‌آورد محدود به ادیان و مذاهب الهی نبوده و طیف گسترده‌ای از ادیان، مذاهب، فرق، آیین‌ها و عقاید را در برمی‌گیرد (عبدی و زمانی، ۱۳۹۵: ۶۳).

یکی از روش‌هایی که اتباع ایرانی از طریق آن ادعای پناهندگی می‌کنند بحث آزادی‌های مذهبی و تغییر مذهب است. برخی از پناهجویان ایرانی به محض خروج از کشور با تغییر دین خود از اسلام به مسیحیت در کشور محل پناهندگی ادعا می‌کنند که از آنجائی که خروج از اسلام به هر دین دیگری ارتداد محسوب شده و مجازات دارد، در صورت بازگرداندن به ایران قطعاً محاکمه و مجازات خواهند شد. در واقع ایرانیان از

۱. ماده ۹- آزادی نظر، عقیده و مذهب؛ هر کس از آزادی نظر، عقیده و مذهب برخوردار است؛ این حق آزادی تغییر مذهب یا اعتقادات شخصی وی چه به تنهایی یا به صورت دسته‌جمعی همراه با دیگران، در حضور دیگران یا به صورت خصوصی و آزادی اجرای شعائر دینی یا عقیدتی به صورت‌های پرستش، آموزش، انجام و نظارت بر آنها را شامل می‌شود. ۲- آزادی اجرای شعائر دینی یا اعتقادات فردی تنها در مواردی که توسط قانون مقرر شده و در یک جامعه‌ی مردم‌سالار برای حفاظت از ایمنی و نظم عمومی، سلامتی یا اخلاقیات یا حمایت از حقوق و آزادی‌های سایر افراد جامعه ضروری هستند، محدودیت‌های را دربر می‌گیرند.

تبدیل دین اسلام به مسیحیت به عنوان یک استراتژی مهاجرتی و پناهندگی در یک کشور ثالث مثل ترکیه استفاده می‌کنند (Akcapar, 2006: 818). لذا آن‌ها ادعا می‌کنند هر کدام از کشورهای اروپایی بخواهد آن‌ها را بازگرداند برخلاف ماده ۳ کنوانسیون و اصل منع بازگرداندن عمل کرده است (Akcapar, 2006: 818)، زیرا هدف اساسی نظام حقوق پناهندگی این است که پناه‌جو در هیچ حالتی نباید به کشوری بازگردانده شود که در آنجا حیات و آزادی‌اش در معرض خطر خواهد بود (کیهانلو و دادمهر، ۱۳۹۹: ۱۸۱).

اگرچه جمهوری اسلامی ایران هرگز ارتداد را جرم‌انگاری نکرده است ولی ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی ایران^۱ با تکیه بر قانون اساسی ایران،^۲ اجرای برخی قوانین اسلامی معروف به جرائم حدود را بر طبق منابع معتبر اسلامی مجاز دانسته است حتی اگر این جرم به‌طور خاص در قوانین کیفری جرم‌انگاری نشده باشد. طبق همین منابع، ارتداد در ایران مجازات اعدام دارد. دیوان در برخی از آراء خود به این مسئله توجه کرده است؛ به طوری که در برخی از آن‌ها ادعای پناه‌جویان ایرانی را پذیرفته و در برخی دیگر ادعای آن‌ها را رد کرده است. به‌زعم دیوان، دولت‌های عضو کنوانسیون نمی‌توانند شخص پناه‌جو را به یک کشور دیگر تسلیم یا استرداد کند در صورتی که دلایل متقنی وجود داشته باشد که وی در آن کشور در معرض ناپدید شدن اجباری قرار خواهد گرفت (International Migration Law Unit, 2014: 8). در این راستا ارتداد در رویه کشورهای اروپایی به‌عنوان موجبی برای داشتن ترس موجه از اعمال مجازات به رسمیت شناخته شده است (Cheung, 2019: 160).

در دعوی اف. جی علیه سوئد،^۳ فرد ایرانی به دلیل فعالیت‌های سیاسی از ایران به سوئد فرار کرده بود. وی پس از ورود به سوئد، تغییر دین داده بود و به مسیحیت

۱. در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.

۲. اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید، نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

3. F.G. v. Sweden, Application no. 43611/11, Council of Europe: European Court of Human Rights, 23 March 2016.

گرویده بود، به این منظور که ادعا کند در صورت استرداد به ایران، به خاطر ارتداد در معرض مجازات اعدام قرار خواهد گرفت. اداره مهاجرت سوئد درخواست پناه‌جو را رد کرد، به این خاطر که ایشان در ابتدا عنوان داشته بود از تغییر مذهب برای مسئله پناهندگی استفاده نخواهد کرد و دین جدید او یک مسئله خصوصی خواهد بود. آقای اف. جی پس از رد تقاضای پناهندگی خود در مراجع داخلی، دعوی خود را در دیوان اروپایی حقوق بشر علیه سوئد مطرح کرد و مجدداً مدعی شد به دلیل تغییر دین، در صورت بازگردانده شدن به ایران با مجازات اعدام مواجه خواهد شد.

به زعم دیوان، مراجع داخلی سوئد بررسی کاملی در مورد تغییر و تحول وی و جدی بودن اعتقادهای وی انجام ندادند. در واقع، مراجع سوئد ارزیابی دقیقی از خطر پیش روی پناه‌جو هنگام استرداد به ایران در نتیجه تغییر دین انجام ندادند. این امر برخلاف اطلاق ماده ۳ کنوانسیون است که حمایت کاملی از پناه‌جویان بدون توجه به ویژگی‌های شخصی و رفتاری آنها می‌کند. دیوان بنابراین نتیجه گرفت صرف‌نظر از ادعای متقاضی مبنی بر خصوصی بودن مسئله تغییر دین، مقام‌های ذی‌صلاح سوئد قبل از تصمیم‌گیری در مورد بازگرداندن وی به ایران ملزم به ارزیابی دقیق خود از کلیه شرایط بودند. دیوان در این رأی به اتفاق آراء بازگرداندن پناه‌جو را به ایران نقض ماده ۳ کنوانسیون قلمداد کرد (ECtHR, 2016:16). مفاد این رأی حاکی از این است که برای دیوان معیارهای ظاهری در تغییر دین کفایت می‌کند. نیازی به سنجش دقیق باورهای پناه‌جو در باب تغییر دین وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، اگرچه پناه‌جو در آغاز به عدم استفاده از تغییر دین به‌عنوان موجبی برای پناهندگی اشاره کرده ولی حق آزادی مذهبی به زعم دیوان چنان اساسی است که آثار آن مبتنی بر نیت و انگیزه پناه‌جو نیست.

در دعوی لطیفه احمدپور علیه ترکیه^۱، پناه‌جوی ایرانی که از شوهر خود طلاق گرفته بود و شوهرش حضانت قانونی طفل را بر عهده داشت بدون رضایت پدر طفل، آن را با خود به ترکیه برده بود. ایشان در سال ۲۰۰۸ با یک تبعه ایرانی که به مسیحیت

1. hmadpour v. Turkey, Application no. 12717/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 June 2010.

گرویده ازدواج کرده بود و خود نیز به دین مسیحیت درآمده بود. ایشان از ترکیه درخواست پناهندگی کرد که این درخواست رد شد و قرار شد ایشان ظرف مدت ۱۵ روز ترکیه را به مقصد ایران ترک کند. از آنجایی که ایشان مدعی بود در صورت برگشتن به ایران به دلیل ازدواج با غیرمسلمان و تغییر دین در معرض بدرفتاری و مجازات قرار خواهد گرفت، در سال ۲۰۰۸ بر اساس قوانین کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (از این به بعد، کمیساریای عالی پناهندگان)، واجد شرایط پناهندگی شد. متعاقباً ایشان بر اساس وضعیت جدید خود علیه ترکیه در دیوان طرح دعوی کرد.

دیوان با توجه به ارزیابی‌های کمیساریای عالی پناهندگان، دریافت که دلایل قابل توجهی برای پذیرش ادعای پناه‌جو مبنی بر اینکه ایشان در صورت برگشتن به ایران در معرض اعمال مجازات قرار گرفت وجود دارد؛ لذا بازگرداندن ایشان توسط دولت ترکیه مغایر با مفاد ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود. در این پرونده نیز دیوان آستانه بسیار پائینی برای ارزیابی صحت ادعای پناه‌جوی ایرانی در تغییر دین و امکان اعمال مجازات برای وی در صورت بازگرداندن به ایران توسط ترکیه در نظر گرفت. دیوان با رد اظهارات مراجع ملی ترکیه و با استناد به گزارش‌های کمیساریای عالی پناهندگان وضعیت مذهب جدید وی را مبنایی برای حمایت از وی قرار داد.

در دعوی ام. بی و دیگران علیه ترکیه^۱، والدین ایرانی صاحب دو فرزند در سال ۱۹۹۹ به استان حکاری ترکیه فرار کرده بودند. پدر خانواده افسر پلیسی بود که به دلیل کمک به مخالفین سیاسی دولت ایران از ترس جان خود و خانواده‌اش ایران را ترک کرده بود. از آنجائی که کمیساریای عالی پناهندگان وضعیت پناهندگی سیاسی چنین افرادی را به رسمیت نمی‌شناسد مراجع ملی درخواست وی را رد کردند. آن‌ها متعاقباً به استانبول رفته و در آنجا ضمن تغییر دین خود به مسیحیت در کلیسای پروتستان‌های آمریکایی در استانبول مشغول به کار شدند. در سال ۲۰۰۸ بعد از اینکه وضعیت پناهندگی آن‌ها در آنکارا توسط کمیساریای عالی پناهندگان به رسمیت شناخته شد،

1. M.B. and Others v. Turkey, Application no. 36009/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 June 2010.

آن‌ها در استانبول شروع به تبلیغ دین مسیحیت برای گردشگران ایرانی کردند. آن‌ها بعد از اینکه واجد شرایط پناهندگی توسط کمیساریای عالی پناهندگان شناخته شدند به استان حکاری منتقل شدند تا وضعیت خود را تثبیت کنند؛ اما وقتی پلیس حکاری متوجه شد آن‌ها در طول اقامتشان به صورت غیرقانونی و با گذرنامه جعلی چندین بار به ایران رفت‌وآمد داشته‌اند، دستور اخراج آن‌ها از کشور را صادر کرد. پناهجویان مدعی شدند که تغییر دین در ایران ارتداد محسوب شده و قابل مجازات کیفری است. در حالی که دولت ترکیه در پاسخ اظهار داشت ترس معقول و موجه از پیگرد و اعمال مجازات در ایران وجود ندارد، زیرا آن‌ها چندین بار به ایران مسافرت داشته‌اند.

پناهجویان مذکور طبق ماده ۳ کنوانسیون به دیوان شکایت کردند و اظهار داشتند که از آنجائی که به مسیحیت گرویده‌اند بازگرداندن آن‌ها به ایران آن‌ها را در معرض خطر واقعی اعدام یا بدرفتاری قرار خواهد داد. با توجه به ارزیابی کمیساریای عالی پناهندگان، دیوان دریافت که دلایل قابل توجهی برای پذیرش ادعای پناهجویان مبنی بر اینکه در صورت بازگشت به ایران با نقض حقوق مندرج در ماده ۳ مواجه خواهند بود، وجود دارد. لذا بازگرداندن آن‌ها به ایران مغایر ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود.

در دعوی ز.د.ان.اس علیه ترکیه^۱، خواهان در سال ۲۰۰۲ با گذرنامه جعلی وارد ترکیه شده بود و بدون اطلاع به مراجع ترکیه و کمیساریای عالی پناهندگان شروع به کار و زندگی کرده بود. در سال ۲۰۰۳ او به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان برای کسب وضعیت پناهندگی مراجعه کرد ولی قبل از اتخاذ تصمیم در خصوص وضعیت پناهندگی‌اش در سال ۲۰۰۴ از طرف ترکیه به ایران بازگردانده شد. او بعد از بازداشت ۹ ماهه در ایران دوباره به صورت غیرقانونی وارد ترکیه شد و متوجه شد که پرونده پناهندگی‌اش در ترکیه به صورت غیابی بسته شده است. او برای تسهیل پذیرش درخواست پناهندگی در سال ۲۰۰۷ به مسیحیت گرایید. ولی مقام‌های ترکیه ایشان را به دلیل عدم رعایت ترتیبات قانونی ورود و خروج، دوباره بازداشت و مشمول اخراج

1. Z.N.S. v. Turkey, Application no. 21896/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 19 January 2010.

قرار دادند. تا اینکه بنا به دلایل مذهبی، ایشان در سال ۲۰۰۸ وضعیت پناهندگی را از کمیساریای عالی پناهندگان کسب کرد. پناهجو مدعی بود که به دلیل تغییر مذهب در صورت بازگشت به ایران مشمول مجازات یا اعمال قانون قرار خواهد گرفت؛ بالأخص در پرتو این واقعیت که مقام‌های ایرانی از تأیید پناهندگی ایشان توسط کمیساریای عالی پناهندگان مطلع بودند. دیوان در پرتو ارزیابی کمیساریای عالی پناهندگان به این نتیجه رسید که در صورت بازگشت نامبرده به ایران خطر واقعی بدرفتاری و اعمال مجازات برخلاف ماده ۳ کنوانسیون به دلیل تغییر مذهب وجود خواهد داشت و بازگرداندن نامبرده به ایران برخلاف ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود.

بررسی رویه دیوان در خصوص موجبات مذهبی پناهندگی نشان می‌دهد که به طور کلی حقوق پناهندگی نقش مهمی در تضمین آزادی‌های مذهبی پناهجویان از طریق رعایت اصل منع بازگرداندن دارد (Cheung, 2019: 169). بررسی پرونده‌های مطروحه نشان می‌دهد دیوان در خصوص آزادی مذهبی و ارتداد، ادعاهای پناهجویان ایرانی را صرف‌نظر از واقعی یا صوری بودن تغییر دین پذیرفته است؛ هرچند مراجع ملی کشورها در اکثر موارد این تغییر دین را صرفاً ابزاری برای کسب پناهندگی دانسته و از اعطای پناهندگی خودداری کرده‌اند. دیوان آستانه بسیار پایینی برای اثبات و احراز اعمال مجازات ارتداد برای ایرانیان در صورت بازگرداندن در نظر گرفته است، به طوری که برخی از ایرانیان با علم بر این آستانه پایین، عمدتاً به صورت صوری، اقدام به تغییر دین کرده و از امتیازهای مربوط به پناهندگی استفاده کرده‌اند.

۲-۲. موجبات جنسی

از موجبات دیگری که توسط پناهجویان ایرانی برای طرح دعوی پناهندگی علیه کشورهای اروپایی در دیوان مطرح شده است، موارد جنسی و داشتن رفتارهای جنسی نامتعارف است. برخی پناهجویان ایرانی، با استناد به اینکه در ایران همجنسگرائی جرم است ادعا کرده‌اند در صورت بازگرداندن به ایران، آن‌ها به صرف داشتن گرایش‌های جنسی نامتعارف با اعمال مجازات مواجه خواهند شد و این امر مغایر با ماده ۳

کنوانسیون است. طبق ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی، «همجنس گرایی موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است». این در حالی است که طبق ماده ۱۴ کنوانسیون «برخورداری از حقوق و آزادی‌های مندرج در این کنوانسیون بدون تبعیض در هر زمینه‌ای مانند جنسیت تأمین می‌شود». لذا پناه‌جویان ایرانی که ادعای داشتن گرایش‌های جنسی نامتعارف دارند، در کنار پرونده پناهندگی‌شان ادعاهای حقوق بشری هم دارند (Mole and Meredith, 2010:102).

در پرونده خانم مهین عایق علیه سوئد^۱، خواهان ایرانی مقیم سوئد بود که در سال ۲۰۰۳ به همراه پسرش از ایران به سوئد گریخته و در آنجا درخواست پناهندگی برای خود و فرزندش داده بود. ایشان مدعی بود که پسرش چند بار در ایران مورد تجاوز جنسی مدیر مدرسه قرار گرفته است که به لحاظ روحی تأثیر شدیدی روی پسرش گذاشته است. علاوه بر این از آنجایی که این امر در ایران جرم‌انگاری شده است به محض بازگشت به ایران با اعمال مجازات مواجه خواهد شد. لذا اگر احیاناً پسر نامبرده با حکم بازگرداندن مواجه بشود ناگزیر به دلیلی فشارهای روانی دست به خودکشی خواهد زد. اداره مهاجرت سوئد عنوان داشت که بر طبق قوانین ایران در این حالت صرفاً بزرگسال مجازات می‌شود و کودک نیز نه تنها مجازات نمی‌شود بلکه حتی می‌تواند در مراجع ملی علیه مدیر مدرسه به خاطر آزار و اذیت جنسی شکایت کند. همچنین هیچ مدرکی وجود ندارد که تأیید کند فرزند وی به دلیل ارتکاب جرائم ادعایی، توسط مقام‌های ایرانی تا به حال متهم یا محکوم شده است.

متعاقب رد درخواست پناهندگی ایشان و فرزندش توسط مراجع ملی سوئد ایشان علیه سوئد در دیوان طرح دعوی کرد. دیوان دریافت که اگر ایشان و فرزندش به ایران بازگردانده شوند، برخلاف ماده ۳ کنوانسیون با دستگیری و اعمال مجازات روبرو نخواهند شد. به همین دلیل، دیوان به اتفاق آراء درخواست پناهندگی ایشان را غیرقابل پذیرش اعلام کرد. در این دعوی، دیوان با راستی‌آزمایی ادعای پناه‌جو و همچنین کسب

1. Ayegh v. Sweden, 4701/05, Council of Europe: European Court of Human Rights, 7 November 2006.

اطلاعات لازم از سیستم قانونی ایران به این نتیجه رسید که ادعای نامبرده واهی و صرفاً به‌عنوان ابزاری برای کسب پناهندگی بوده است، در حالی که هیچ‌گونه خطری در خصوص پیگرد و اعمال مجازات در پرونده مشهود نیست.

در دعوی اف علیه انگلستان^۱، خوانده ایرانی ساکن اسکاتلند بود که در سال ۲۰۰۱ به صورت غیرقانونی وارد انگلستان شده بود و به ادعای همجنسگرا بودن درخواست پناهندگی داده بود. در پرونده حاضر، پناه‌جو ادعا کرده است که به دلیل همجنسگرایی خود در صورت بازگشت به ایران در معرض مجازات شلاق قرار خواهد گرفت. وزارت کشور انگلستان ادعای همجنسگرا بودن وی را با این استدلال که این پرونده کاملاً ساختگی است رد کرد. افزون بر این، به زعم وزارت کشور انگلستان علی‌رغم اینکه در ایران همجنسگرایی بر طبق قوانین کیفری ایران قابل مجازات است ولی در عمل موارد اعمال مجازات به دلیل آستانه بالای بار اثبات آن محدود است. پناه‌جوی ایرانی متعاقب رد درخواست خود توسط مراجع ملی انگلستان، علیه این کشور در دیوان طرح دعوی کرد.

دیوان مقرر داشت که گزارش‌های مقام‌های داخلی انگلستان نشان می‌دهد در ایران در عمل در برخورد با چنین وضعیت‌هایی تساهل دیده می‌شود (Johnson and Falchetta, 2018) و صرف داشتن گرایش جنسی نامتعارف بدون آثار خارجی خاص منجر به پیگرد قانونی توسط مقام‌های ایرانی در عمل نمی‌شود که این امر تا حدودی ناشی از بار اثبات سنگین ارتکاب چنین جرائمی (به‌عنوان مثال شهادت چهار شاهد عینی) است. لذا اظهارات خواهان تا حدود زیادی خلاف واقع است. به زعم دیوان حتی در صورت وجود چنین گرایشی در فرد پناه‌جو، شرایط قانونی و اجتماعی در جامعه ایران به نحوی است که به دلیل آستانه بالای اثبات و احراز چنین وضعیت‌هایی صرف دارا بودن چنین گرایشی موجب اعمال مجازات نمی‌شود. به همین دلایل، دیوان به اتفاق آراء درخواست پناهندگی ایشان را غیرقابل قبول اعلام کرد.

1. F. v. United Kingdom, Application no. 17341/03, Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 June 2004.

همچنین دیوان در پرونده ای علیه فنلاند،^۱ ادعای همجنسگرائی پناهجوی ایرانی و احتمال بدرفتاری و اعمال مجازات در صورت بازگرداندن به ایران و نقض ماده ۳ کنوانسیون را نپذیرفت. با توجه به اینکه دولت فنلاند به پناهجوی ایرانی اجازه اقامت یکساله در فنلاند با امکان تمدید داده بود و اینکه او دیگر مشمول حکم اخراج نبود، دیوان موضوع شکایت در پرونده را متنفی و حل شده دانست و این دعوی را از فهرست پرونده‌های خود خارج کرد.

پرونده رانا جعفری‌زاد علیه مجارستان^۲، مربوط به یک مرد تراجنسیتی ایرانی بود که به دلیل مشکلات جنسی‌اش از پیگرد کیفری در ایران هراس داشت. ایشان مدعی بود زن متولد شده است ولی در زندگی هویت مردانه یافته است. وی در مجارستان پناهندگی گرفته بود اما از آنجائی که در گذرنامه ایرانی‌اش، زن محسوب می‌شد مدارک مجارستانی ایشان نیز بر اساس همان وضعیت صادر شده بود و نمی‌توانست به طور قانونی جنسیت و نام خود را در آن کشور تغییر دهد.

دیوان در رأی خود خاطرنشان کرد که سیستم ملی تشخیص جنسیت مجارستان، پناهجوی ایرانی را به دلیل اینکه دارای گواهی تولد از مجارستان نبود از حقوق قانونی خود محروم کرده است؛ در حالی که تغییر نام و جنسیت به‌عنوان حق قانونی به رسمیت شناخته شده است. دیوان به این نتیجه رسید که به دلیل امتناع از دسترسی وی به روش قانونی تشخیص جنسیت، تعادل عادلانه‌ای بین منافع عمومی و حق متقاضی برای احترام به زندگی خصوصی خود ایجاد نشده است. دیوان ضمن تایید وضعیت پناهندگی پناهجوی ایرانی به دلیل مسائل جنسیتی، به اتفاق آرا اعلام کرد که نقض ماده ۸ کنوانسیون (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی) رخ داده است و نظر کمیته ملی مجارستان قابل نقض است، زیرا عدم دسترسی یک مرد تراجنسیتی به روشی برای تشخیص جنسیت خود، مغایر با مفاد کنوانسیون است.

1. A.E. V. Finland (Application no. 30953/11), Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 September 2015.

2. Rana V. Hungary (Application no. 40888/17), Council of Europe: European Court of Human Rights, 16 July 2020.

به طور کلی، اگرچه دیوان مدعی است در رویه قضائی خود از حقوق همجنسگراها حمایت می‌کند و دولت‌های عضو را مجبور به شناسایی حقوقی تغییر جنسیت و حقوق ناشی از شناسایی جنسیت جدید مانند حق ازدواج می‌کند (ضیائی و فتاحی، ۱۳۹۷: ۱۱۹)، ولی بررسی پرونده‌های اتباع ایرانی نشان می‌دهد که در باب پذیرش موجبات همجنسگرایی در پناهندگی خیلی با احتیاط برخورد می‌کند. دیوان در پذیرش یا رد ادعاهای پناهجویان ایرانی با محوریت مسائل جنسی به سه استراتژی متوسل شده است:

اولین استراتژی اطمینان از این است که دستیابی به آستانه لازم برای احراز خطر به موجب ماده ۳ برای پناهجویان دشوار است. اگرچه دیوان ثابت کرده است که ماده ۳ کشور متعاقد را ملزم می‌کند افراد را به کشورهایی که در صورت بازگرداندن پناهجو را با خطر بدرفتاری مواجه می‌سازند اخراج نکند؛ ولی آستانه بالایی را هنگام ارزیابی وجود «خطر واقعی» تعیین کرده است. این امر باعث شده است که پناهجویان همجنسگرای ایرانی نتوانند از مفاد ماده ۳ به راحتی استفاده کنند. برای مثال دیوان بر این باور است که نشان دادن قوانین کیفری در یک کشور مبدأ که اعمال جنسی همجنسگرایان را ممنوع می‌کند یا اینکه یک متقاضی موضوع اجرای چنین قانونی بوده است کافی نیست. بلکه باید نشان داده شود که «وضعیت پیگرد و اعمال مجازات به صورت واقعی و فعال علیه بزرگسالان درگیر در روابط همجنس‌گرایانه و خصوصی» وجود دارد و دلایل اساسی برای این باور وجود دارد که در صورت اخراج در معرض خطر واقعی برخلاف ماده ۳ قرار می‌گیرند (Johnson, 2018: 2). همچنین، این ادعا که پناهجو اظهار می‌کند رفتار همجنسگرایانه در کشور متبوع وی یک عمل مجرمانه است، نیاز به ارزیابی دقیق توسط مقام‌های کشور بررسی‌کننده دارد (Sheridan and Raf, 2014: 117). استراتژی دوم دیوان برای رد شکایت پناهجویان همجنسگرا تحت ماده ۳ بر این باور استوار است که اقلیت‌های جنسی می‌توانند برای جلوگیری از بدرفتاری، اقدام‌هایی را برای پنهان کردن رفتار جنسی نامتعارف خود انجام دهند (Johnson, 2018: 29). سومین استراتژی دیوان برای رد شکایت پناهجویان نیز این است که وقتی کشوری

به یک پناه‌جو اجازه اقامت می‌دهد یا متعهد می‌شود که درخواست پناهندگی آن‌ها را مجدداً بررسی کند علی‌الظاهر مسئله حل می‌شود و درخواست پناهندگی دیگر توجیهی ندارد. لذا درخواست پناهندگی آن‌ها باید از دستور کار خارج شود.

به طور کلی به نظر می‌رسد دیوان در قبال ادعای پناهندگی ایرانیان به دلیل داشتن گرایش جنسی متعارف مقاومت زیادی نشان می‌دهد، زیرا اگر دیوان به پرونده‌های مربوط به گرایش‌های جنسی پاسخ مثبت دهد با خیل عظیم درخواست‌ها بالأخص از سوی اتباع کشورهای اسلامی مواجه خواهد شد.

۲-۳. موجبات فعالیت‌های سیاسی

یکی دیگر از موجبات طرح دعاوی پناهندگی علیه کشورهای اروپایی، سابقه انجام فعالیت‌های سیاسی در ایران است. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، برخی از ایرانیان، متقاضی پناهندگی سیاسی به کشورهایی اروپایی شدند (Honari, Van Bezouw and Namazie, 2017:5). آن‌ها با این ادعا که در ایران فعالیت‌های سیاسی علیه دولت انجام داده‌اند که این فعالیت‌ها در ایران عنوان مجرمانه دارد، بازگرداندن وی را به ایران مغایر با مفاد ماده ۳ کنوانسیون می‌دانند. بر طبق قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده، ایجاد هرگونه تشکل برای برهم زدن امنیت کشور (ماده ۱)، عضویت در دسته‌های سیاسی مخالف دولت (ماده ۲) و انجام فعالیت‌های تبلیغی علیه دولت (ماده ۳) عنوان مجرمانه داشته و با مجازات حبس مواجه است. هرچند بر طبق ماده ۲ دستورالعمل اجرائی ۲۰۱۱ اتحادیه اروپا، شخص پناهنده کسی است که به خاطر باور سیاسی یا عضویت در یک گروه سیاسی و اجتماعی خاص با ترس موجه مجازات شدن مواجه است (Sheridan, 2014:106)، حق پناهندگی سیاسی به صراحت توسط کنوانسیون یا پروتکل‌های آن مورد شناسایی واقع نشده است.^۱ از این رو پذیرش دعاوی پناه‌جویان ایرانی به دلیل فعالیت‌های سیاسی در ایران با چالش‌های زیادی در دیوان مواجه است.

1. Salah Sheekh v. the Netherlands, app. no. 1948/04, 11 January 2007, § 135,

پرونده عبدالخانی و کریم‌نیا علیه ترکیه^۱، مربوط به دو تبعه ایرانی است که در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ عضو سازمان منافقین در اردوگاه اشرف عراق شده بودند ولی بعداً به دلیل عدم پذیرش اهداف و شیوه عملکرد سازمان به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ از آن سازمان خارج شده بودند. کمیساریای عالی پناهندگان به خاطر عقاید سیاسی، به آن‌ها وضعیت پناهندگی داده بود. آن‌ها بعد از بسته شدن اردوگاه اشرف به ترکیه رفته بودند ولی توسط مقام‌های ترکیه بدون توجه به مدارک پناهندگی، به دلیل ورود غیرقانونی به ترکیه، دستگیر و به عراق بازگردانده شدند. آن‌ها بعد از ورود غیرقانونی مجدد، دوباره دستگیر و دستور اخراج آن‌ها این بار به جای عراق به ایران صادر شد. آن‌ها ادعا کردند در صورت استرداد به ایران، به اتهام فعالیت‌های سیاسی مخالف دولت با اعمال مجازات مواجه خواهند شد (Mole and Meredith, 2010:137). لذا آن‌ها در دیوان در خصوص نقض ماده ۳ کنوانسیون در صورت بازگرداندن آن‌ها به ایران شکایت کردند.

دیوان در پرتو گزارش‌های کمیساریای عالی پناهندگان به این باور رسید که در صورت بازگرداندن اعضای سابق سازمان مجاهدین به ایران، آن‌ها به دلیل مواضع سیاسی خاص خود مشمول مجازات اعدام قرار خواهند گرفت که این امر منجر به نقض تعهدهای ماده ۳ کنوانسیون برای دولت ترکیه خواهد بود.^۲ در این پرونده دیوان، عضویت در گروه سیاسی خاص مخالف دولت را به‌عنوان دلیلی برای پذیرش ادعای پناهندگی پذیرفت. به زعم دیوان در مواردی که بحث عضویت سیاسی یک فرد در سازمان مخالف دولت مطرح است در صورتی که فرد نشان دهد رفتار دولت به همان منوال سابق در خصوص کلیه اعضای گروه مخالف ادامه دارد، در صورت اثبات عضویت فرد در آن گروه مفاد ماده ۳ اعمال خواهد شد (Islands, 2015:15).

1. Abdolkhani and Karimnia v. Turkey, Appl. No. 30471/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 September 2009.

۲. در پرونده کشمیری علیه ترکیه Case of Keshmiri V. Turkey که در سال ۲۰۱۲۰ در دیوان مطرح شد موضوع و نتیجه پرونده دقیقاً مشابه این پرونده بود.

در پرونده باقری و مالکی علیه هلند^۱، زوج پناهجوی ایرانی مقیم هلند ادعا کردند که به دلیل انتقاد علنی از مقام‌های ایرانی مشمول پیگرد و تعقیب قرار گرفته‌اند. لذا بازگرداندن آن‌ها به ایران منجر به اعمال مجازات بنا به عقاید سیاسی‌شان خواهد شد. به دنبال رد ادعای آن‌ها توسط معاون وزیر دادگستری هلند، آن‌ها مجدداً پرونده تشکیل دادند و نامه دادگاه انقلاب شیراز را که خطاب به پدر ایشان در خصوص قرار جلب فرزندش صادر شده بود، اضافه کردند. ضمن کسب استعلام از مقام‌های داخلی ایران، ثابت شد این احضاریه جنبه رسمی و معتبر ندارد. پناهجویان بعد از رد درخواست، برای بار سوم پروند پناهندگی خود را مجدداً به جریان انداختند که این سری کپی برابر اصل حکم دادگاه انقلاب تهران در خصوص محاکمه و اعمال مجازات به خاطر عقاید سیاسی را ضمیمه پرونده کردند. ولی باز به دلیل اینکه این سند یک سند موثق نبود، درخواست رد شد.

نهایتاً پناهجویان مذکور علیه دولت هلند در دیوان طرح دعوی کردند. دیوان عنوان داشت در پرتو اطلاعات به دست آمده توسط مراجع هلندی در تهران، احکام دادگاه کاملاً جعلی بوده و پناهجویان به هیچ وجه مورد پیگیری، محاکمه و اعمال مجازات قرار نگرفته‌اند. لذا به دلیل ابراز و ارائه مدارک جعلی، درخواست پناهندگی آن‌ها در دیوان نیز رد شد. در این رأی دیوان صحت مدارک استنادی متقاضیان را مورد تأیید قرار نداد و با ادعای اینکه این اسناد و مدارک کاملاً جعلی و ساختگی است از پذیرش ادعای متقاضیان سرباز زد.

در دعوی اشکان پنجه قلعه‌ای علیه دولت دانمارک^۲، مادر پناهجوی نامبرده عضو سازمان ایران جاوید در تهران بود که عکس‌های و فیلم‌های شاه را چاپ و منتشر می‌کرد. به دنبال این اقدام پناهجو و مادرش در یک تظاهرات بازداشت شدند. اگرچه سایر اعضاء این سازمان تحت پیگرد و مجازات قرار گرفتند ولی مادر پناهجو هیچ وقت

1. Bagheri and Maliki v. The Netherlands, 30164/06, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 May 2007.

2. Panjeheighalehei v. Denmark, Application no. 11230/07, Council of Europe: European Court of Human Rights, 13 October 2009.

مورد پیگرد و محاکمه قرار نگرفت و ایشان به دانمارک فرار کرد. ایشان در آنجا تقاضای پناهندگی برای اشکان به خاطر فعالیت‌های سیاسی و بازداشت ۱۰ روزه در تظاهرات سال ۱۹۹۵ را داد. به دنبال رد ادعای آن‌ها توسط مراجع داخلی دانمارک، متقاضی علیه آن کشور در دیوان طرح دعوی کرد و اظهار داشت که تصمیم هیئت پناهندگان دانمارک برای بازگرداندن آن‌ها به ایران در سال ۱۹۹۹ مغایر با مفاد ماده ۳ کنوانسیون خواهد بود.

دیوان در آغاز یادآوری کرد که کشورهای متعهد حق کنترل ورود، اقامت و اخراج بیگانگان را به قلمروشان دارند. با این حال، در صورتی که دلایل اساسی در خصوص این ادعا وجود داشته باشد که در صورت بازگرداندن فرد بیگانه، وی با خطر واقعی شکنجه یا مجازات غیرانسانی یا تحقیرآمیز در کشوری که باید به آنجا اخراج شود مواجه خواهد شد مسئولیت دولت قابل طرح خواهد بود (Lavrysen, 2012: 219). وجود خطر باید در درجه اول با توجه به حقایق ارزیابی شود که کشور اخراج‌کننده در زمان اخراج از وجود آن‌ها آگاه بوده است یا بایستی آگاه می‌بود. دیوان معتقد است که وضعیت عمومی ایران در سال ۱۹۹۹ به گونه‌ای نبوده است که وجود خطر رفتارهای غیرانسانی را در ایران توجیه کند. لذا هیچ اماره‌ای وجود ندارد که اوضاع عمومی به حدی در ایران وخیم باشد که بازگرداندن پناهجوی ایرانی به خودی خود موجب نقض ماده ۳ کنوانسیون شود. علاوه بر اوضاع عمومی، باید مشخص شود که آیا وضعیت شخصی متقاضی در زمان مربوطه به گونه‌ای بوده است که بازگشت وی به ایران با ماده ۳ کنوانسیون مغایرت داشته باشد. در ۱۱ ژانویه ۱۹۹۹، هیئت پناهندگان دانمارک با این ادعا که مادر متقاضی روایت‌های مختلف و غیرموثقی از وقایع ارائه داده و نتوانسته است اثبات کند که در صورت بازگشت با خطر بدرفتاری مواجه هستند، تصمیم به رد درخواست پناهندگی آن‌ها گرفت. به دنبال رد این درخواست، ایشان دعوی خود را علیه دولت دانمارک در دیوان مطرح کرد.

دیوان مدعی شد نامبرده با آن سن کم هیچ‌گونه فعالیت سیاسی قبل و بعد از بازداشت نداشته است. در واقع شرکت در تظاهرات صرفاً برای به دست آوردن

پناهندگی دانمارک بوده و بس؛ به طوری که حتی بعد از آزادسازی وی، هیچ وقت مراجع دولتی ایران پیگیر آن نشده‌اند. به زعم دیوان، متقاضی نتوانست با دلایل واضح نشان دهد که در صورت بازگرداندن به ایران در معرض پیگرد و محاکمه قرار خواهد گرفت. لذا دیوان به اتفاق آراء، دعوی پناهندگی نامبرده را رد کرد. در این دعوی دیوان رسیدگی دومرحله‌ای را برای احراز وضعیت بدرفتاری و اعمال مجازات مورد استفاده قرار داد. ابتدا وضعیت عمومی کشور ایران و سپس وضعیت فردی شخص پناه‌جو را مورد ارزیابی قرار داد. به زعم دیوان، به لحاظ کلی وضعیت عمومی کشور به نحوی نبوده است که صرف قرار گرفتن فرد در آن وضعیت منجر به احراز وضعیت خطر شود. در خصوص وضعیت خصوصی فرد نیز، اسناد و مدارک ادعائی نامبرده به اعتقاد دیوان کاملاً صوری و ساختگی بوده‌اند و نتوانستند دیوان را متقاعد سازند که شرایط خاص فرد به نحوی بوده است که بایستی از طریق اعطاء پناهندگی از وی حمایت کرد. در دعوی لاله میراصفهانی علیه هلند^۱، پناه‌جو مدعی بود دانشجوی رشته حقوق زنان در دانشگاه تهران بود که در قالب فعالیت‌های سیاسی و تشکل‌های دانشجویی به دنبال ترویج ایده جدایی دین از سیاست بوده است. ایشان ضمن تدریس برای نوجوانان در دبیرستان آن‌ها را تشویق به عضویت و فعالیت در گروه‌های سکولار می‌کرد که در نهایت مورد پیگرد نیروهای انتظامی قرار گرفته و مجبور به اخراج شده است. البته ایشان بعد از اخراج همچنان در خانه شخصی خود به چنین اقدام‌هایی مبادرت می‌ورزید. او مدعی بود بعد از بازداشت و در حال استراحت از بیمارستان خارج شده و به هلند فرار کرده است. مراجع هلندی ادعا و استدلال‌های ایشان را نپذیرفتند. پناه‌جو علیه هلند در دیوان بر طبق ماده ۳ کنوانسیون شکایت کرد که اگر به ایران بازگردانده شود، با خطر واقعی اعمال مجازات روبرو خواهد شد. دادگاه متذکر می‌شود که اکنون به متقاضی اجازه اقامت در هلند داده شده است و بنابراین وی دیگر در معرض خطر بازگشت نیست؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مسئله حل شده است، زیرا

1. *Isfahani v. the Netherlands*, Appl. No. 31252/03, Council of Europe: European Court of Human Rights, 31 January 2008.

بر طبق ماده ۳۷ کنوانسیون، دیوان می‌تواند در مواقعی که موضوع حل شده محسوب می‌شود موضوع را از دستور کار خود خارج کند. دیوان به اتفاق آراء تصمیم گرفت، دعوی ایشان را از فهرست دعاوی خود خارج کند.

به طور کلی به نظر می‌رسد دیوان در خصوص پرونده‌های سیاسی که ایرانیان برای کسب پناهندگی علیه کشورهای اروپایی مطرح می‌کنند، سخت‌گیری قابل توجهی دارد. با توجه به اینکه در کنوانسیون، به صراحت پناهندگی سیاسی به رسمیت شناخته نشده است دیوان برای امکان استناد به این عامل به این مسئله نیز توجه دارد که آیا فعالیت‌های سیاسی مخالف با یک کشور در قلمرو کشور دیگر می‌تواند خطر اعمال مجازات را افزایش داده و مبنایی برای جلوگیری از بازگرداندن باشد یا خیر (European Union Agency for Fundamental Rights, 2015, 74). عمده پرونده‌هایی که ایرانیان در آن‌ها بر اساس موجبات سیاسی طرح دعوی کرده‌اند با توجه به سطحی بودن فعالیت‌های سیاسی و اینکه بدون هیچ‌گونه پیگرد و اعمال مجازات از سوی مقام‌های ایرانی بوده است در دیوان رد شده است. دیوان در مرحله راستی آزمایی، ضمن تشخیص ساختگی و جعلی بودن وضعیت‌ها و اسناد مطروحه، صرف داشتن عقاید سیاسی مخالف دولت بدون هیچ‌گونه آثار بیرونی و خطر بدرفتاری را به‌عنوان مبنایی برای اعطاء پناهندگی قلمداد نکرده است.

فرجام سخن

پناهندگی یکی از آثار ناآرامی‌های اجتماعی بین‌المللی است که به موجب آن افراد انسانی برای یافتن فرصت‌های زندگی بهتر جلائی وطن کرده و قصد سکونت در کشور دیگر می‌کنند. حمایت از حقوق بشر و ارزش‌های انسانی آن‌ها مستلزم این است که از این افراد در سطح بین‌المللی حمایت شود. این حمایت در قالب اسناد عام حقوق پناهندگی و اسناد خاص آن قابل تصور است. از یک سو کنوانسیون ۱۹۵۱ حقوق پناهندگان و پروتکل ۱۹۶۷ آن و از سوی دیگر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و سازوکار قضائی نظارتی آن در تلاش هستند حداقل حقوق به رسمیت شناخته شده

پناهجویان را در حوزه اروپا تأمین و تضمین کنند.

دیوان اروپایی حقوق بشر علیرغم اینکه مسئولیت مستقیمی در بابت حمایت از حقوق پناهجویان و پناهندگان ندارد ولی توانسته است از طریق تفسیر ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص لزوم توجه به رعایت حقوق بشر در موقع بازگرداندن پناهجویان به کشورهای خود گام مهمی در تضمین حق پناهندگی برای آنها بردارد. دیوان در آراء خود عمدتاً تلاش کرده است به عنوان مرجع نهائی شکایت پناهجویان از عملکرد دولت‌های عضو کنوانسیون محسوب شده و دولت‌های اروپایی را پایبند به رعایت ماده ۳ کند. پناهجویان ایرانی نیز با درک جایگاه و اهمیت ماده ۳ کنوانسیون در رویه دیوان از یک سو و حساسیت دیوان به برخی از آزادی‌ها در گستره اروپا از طریق موجبات مختلف دعاوی متعددی را علیه کشورهای اروپایی در دیوان مطرح کرده‌اند.

بررسی رویه قضائی دیوان حاکی از این است که دلایل واقعی یا تصنعی درخواست پناهندگی ایرانیان در دیوان، حول سه مسئله آزادی‌های مذهبی، آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های جنسی است. تحلیل آراء نشان می‌دهد که دیوان رویکرد کلی و یکسانی در قبال هر یک از این موجبات ندارد و بسته به مورد و در بستر واقعیت‌های موجود در هر پرونده نظر داده است. دیوان بیشترین مورد پذیرش پناهندگی و احراز نقض ماده ۳ در صورت بازگرداندن پناهجوی ایرانی را در خصوص پرونده‌های مذهبی داشته است. در عمده پرونده‌های مطروحه نزد دیوان، دیوان تغییر مذهب توسط ایرانیان در کشور ثالث را صرف‌نظر از واقعی یا غیرواقعی بودن آن با این احتمال که در صورت بازگرداندن، احتمال اعمال مجازات ارتداد وجود خواهد داشت به عنوان مبنایی برای اعطاء وضعیت پناهندگی قلمداد کرده است.

بررسی رویه قضائی دیوان نشان می‌دهد موجبات آزادی‌های جنسی چندان مورد تأیید دیوان قرار نگرفته است. پناهجویان ایرانی که با استناد به داشتن گرایش جنس نامتعارف خواهان دریافت وضعیت پناهندگی هستند و در مراجع ملی کشورهای اروپایی نتوانسته‌اند نتیجه مطلوب را کسب کنند، در دیوان نیز چندان موفق نبوده‌اند. به اعتقاد دیوان، صرف وجود قوانین کیفری در باب رفتارهای جنسی نامتعارف، مؤید

اعطاء وضعیت پناهندگی نیست. همچنین دیوان اعطاء وضعیت اقامت در کشورهای اروپایی را برای نیل به مقصود پناه‌جو کافی دانسته است بدون اینکه نیازی به اعطاء وضعیت پناهندگی شود.

در خصوص موجب فعالیت‌های سیاسی به‌عنوان دلیلی برای کسب وضعیت پناهندگی نیز لازم به ذکر است که دیوان با اذعان به اینکه در کنوانسیون، پناهندگی سیاسی به رسمیت شناخته نشده است تنها زمانی این موجب را واجد ارزش می‌داند که وضعیت عمومی خطرناک به لحاظ عمومی و شخصی در قلمرو کشور محل فعالیت وجود داشته باشد. دیوان در خصوص پناه‌جویان ایرانی عمدتاً دلایل را سطحی و اسناد و مدارک را غیرواقعی و جعلی دانسته است و آستانه بالایی برای پذیرش موجبات سیاسی به‌عنوان دلیل اعطاء پناهندگی اتخاذ کرده است. به‌طور کلی دیوان در رویه قضایی خود، در گذر زمان با موجبات پناهندگی ایرانیان و استراتژی‌های دعاوی آن‌ها آشنا شده و ضمن تضمین حقوق پناهندگی آن‌ها، راه سوءاستفاده از حمایت‌های این نظام حقوقی را بسته است.

منابع

الف. فارسی

احمدی‌نژاد، مریم (۱۳۹۱) «موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۳۲.

جلالی، محمد و سوگل سودبر (۱۳۹۹) «تأثیر دیوان اروپایی حقوق بشر در نظام حقوق داخلی دولت‌های اروپایی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۷۹-۵۹.

حبیب‌نژاد، سید احمد و زهرا دانش‌ناری (۱۳۹۷) «حمایت از حقوق زبانی در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۱۷۹-۱۵۵.

دشاب، مهریار و سعیده مختارزاده (۱۳۹۸) «حمایت از زنان در برابر خشونت‌های

جنسی و مبتنی بر جنسیت در بحران پناهندگی اروپا از منظر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، صص ۷۱-۹۹.

راعی دهقی، مسعود و کاوه موسوی (۱۳۹۵) «حقوق خواهان و خواننده از منظر حقوق بشر با تأکید خاص بر رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۳، شماره ۵۵، صص ۲۱۰-۱۸۵.

رحیم خویی، الناز و حسین رستم زاد (۱۳۹۶) «تحلیل و نقد عملکرد دیوان اروپایی حقوق بشر در برخورد با ادعاهای نقض ماده ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۴، شماره ۵۶، صص ۲۸۹-۲۶۳.

سیفی آتشگاه، بابک (۱۳۹۹) «بررسی تطبیقی حقوق پناهندگی در فقه امامیه و کنوانسیون ۱۹۵۱»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال سوم، شماره دهم، صص ۷۶-۶۵.

ضیائی، شقایق و مهرنوش فتاحی (۱۳۹۷) «مطالعه تطبیقی روند تغییر جنسیت در ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه قضاوت، دوره ۱۸، شماره ۹۶، صص ۱۳۱-۱۱۱.

عبدی، ایوب و سید قاسم زمانی (۱۳۹۵) «حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال نوزدهم، شماره ۵۵، صص ۸۲-۶۱.

کیهانلو، فاطمه و هادی دادمهر (۱۳۹۹) «نقض تعهد بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در قبال کاروان پناهجویان امریکای لاتین»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۳۷، شماره ۶۲، صص ۱۹۸-۱۷۵.

کیهانلو، فاطمه (۱۳۸۶) «مفهوم آزار منتهی به پناهندگی در رویه قضائی کشورهای پناهنده‌پذیر»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۲۴، شماره ۳۶، صص ۵۶-۳۵.

ب. انگلیسی

Akcapar, Sebnem Koser (2006) "Conversion as a Migration Strategy in a Transit Country: Iranian Shiites Becoming Christians in

- Turkey”, **The International Migration Review**, Vol. 40, No. 4, pp.817-853.
- Cheung, Samuel (2019) “The Boundaries of Religious Persecution: Refugee Law and the Limits of Permissible Restrictions on Religion”, **The Journal of Human Rights**, Vol.13, No.2, pp.141-174.
- European Union Agency for Fundamental Rights (2015) **Handbook of European Law Relating to Asylum, Borders and Immigration**, France: European Union Agency for Fundamental Rights.
- Honari, Ali Maarten, Van Bezouw and Pari Namazie (2017) *The Role and Impact of Iranian Migrants in Western Europe*, Vrije Universiteit Amsterdam, pp:1-33.
- Íslands, Háskóli (2015) *The Rights of Refugees and Asylum-Seekers under the European Convention on Human Rights, a Case-Study of Selected Judgments of the European Court of Human Rights 2000-2015*.
- Johnson, Paul and Silvia Falchetta (2018) “Sexual Orientation Discrimination and Article 3 of the European Convention on Human Rights: Developing the Protection of Sexual Minorities”, **European Law Review**, Vol. 43, No.2. pp. 167-185.
- Lavrysen, Laurens (2012) “European Asylum Law and the ECHR: An Uneasy Coexistence”, **Goettingen Journal of International Law**, Vol. 4, No.1, pp. 197-242.
- Mole, Nuala and Catherine Meredith (2010) “Asylum and the European Convention on Human Rights”, **Human Rights Files**, No. 9.
- Ringelheim, Julie (2012) “Religion And The Public Sphere: The European Court Of Human Rights In Search Of A Theory?”, C. Ungureanu And L. Zucca, A. **European Dilemma: Religion And The Public Sphere**, Cambridge, Cambridge University Press.
- Ristik, Jelena (2017) “The Right to Asylum and the Principle of Non-Refoulement under the European Convention on Human Rights”, **European Scientific Journal**, Vol.13, No.28, pp: 108-120.
- Sheridan, Caoimhe and Sadhia Raf (2014) *The Application of The EU Charter of Fundamental Rights to Asylum Procedural Law*, European Council on Refugees and Exiles.

Case law

- F.G. v. Sweden, Application no. 43611/11, Council of Europe: European Court of Human Rights, 23 March 2016, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,56fd485a4.html> [accessed 3 June 2021]
- hmadpour v. Turkey, Application no. 12717/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 June 2010, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,4c179ffa2.html> [accessed 3 June 2021]
- M.B. and Others v. Turkey, Application no. 36009/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 June 2010, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,4c17a13f2.html> [accessed 3 June 2021]
- Z.N.S. v. Turkey, Application no. 21896/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 19 January 2010, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,4b56d5cf2.html> [accessed 3 June 2021]
- Ayegh v. Sweden, 4701/05, Council of Europe: European Court of Human Rights, 7 November 2006, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,45d5c67e2.html> [accessed 3 June 2021]
- F. v. United Kingdom, Application no. 17341/03, Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 June 2004, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,4ee21ffd2.html> [accessed 3 June 2021]
- O.M. v. Hungary, Application no. 9912/15, Council of Europe: European Court of Human Rights, 5 July 2016, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,577b7dcf4.html> [accessed 3 June 2021]
- RANA v. HUNGARY (Application no. 40888/17), Council of Europe: European Court of Human Rights, 16 July 2020, available at: <https://www.refworld.org/cases,ECHR,5f11a1f90.html> [accessed 3 June 2021]
- Abdolkhani and Karimnia v. Turkey, Appl. No. 30471/08, Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 September 2009,

- available at:
<https://www.refworld.org/cases,ECHR,4ab8a1a42.html> [accessed 3 June 2021]
- Bagheri and Maliki v. The Netherlands, 30164/06, Council of Europe: European Court of Human Rights, 15 May 2007, available at:
<https://www.refworld.org/cases,ECHR,46a872e62.html> [accessed 3 June 2021]
- Panjeheighalehei v. Denmark, Application no. 11230/07, Council of Europe: European Court of Human Rights, 13 October 2009, available at:
<https://www.refworld.org/cases,ECHR,4afae3022.html> [accessed 3 June 2021]
- Isfahani v. the Netherlands, Appl. No. 31252/03, Council of Europe: European Court of Human Rights, 31 January 2008, available at:
<https://www.refworld.org/cases,ECHR,47c6727d2.html> [accessed 3 June 2021]
- A.E. V. Finland, Application no. 30953/11, Council of Europe: European Court of Human Rights, 22 September 2015, available at:
<https://www.sogica.org/wp-content/uploads/2018/04/A.E.-v.-FINLAND.pdf>[accessed 3 June 2021]

Reports

- UNHCR/Forough Jahandari, Statelessness in Iran, Country Position Paper November 2, <https://statelessjourneys.org/wp-content/uploads/StatelessJourneys-Iran-final.pdf>
- European Court of Human Rights, Research Division, Overview of The Court's Case-Law On Freedom of Religion, 2013.
https://www.echr.coe.int/documents/research_report_religion_eng.pdf
- European Court of Human Rights, Information Note on the Court's case-law, No. 194, March 2016.
https://www.echr.coe.int/Documents/CLIN_2016_03_194_ENG.pdf
- International Migration Law Unit (2014) International Migration Law Information Note.

Web Sites:

<https://www.refworld.org/country,,ECHR,CASELAW,IRN,,,,0.html#SRTop51>. [accessed 30 Feb 2022]